

بسم الله الرحمن الرحيم

ضیافت نور

ویژه‌نامه ماه مبارک رمضان

تهیه شده در مرکز ملی پاسخگویی به پرسش‌های دینی نمایندگی اصفهان

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان

۱. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هنگام ازدواج با پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) چند سال داشتند؟
۲. علت اصلی تصمیم ابن ملجم بر قتل امام علی (علیه السلام) چه بود؟
۳. با توجه به اینکه اعتکاف ده‌روزه نوعی چله‌نشینی است، آیا اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان منبع موثقی دارد؟ شایع شده که از آیین یهود به دیگر ادیان ابراهیمی رخنه کرده است!
۴. اگر حضرت علی (علیه السلام) از قبل، زمان و مکان شهادت خود را می‌دانستند، آیا لازم نبوده برای حفاظت از جان خود اقدامی کنند؟
۵. امروزه با ماشین‌های کولر دار روزه‌داری آسان است پس چرا روزه در سفر حرام است؟
۶. برخی به استناد کتاب «من لایحضره الفقیه» می‌گویند امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: ماه مبارک رمضان کمتر از ۳۰ روز نیست؟
۷. چرا در تعیین روز عید فطر اختلاف وجود دارد؟ وظیفه مکلفین چیست؟
۸. آیا نماز و روزه استیجاری برای میت، نوعی تکریم برای متمولین و مقدمه ورود به بهشت برای آنان نیست؟
۹. خدای متعال چه نیازی به روزه‌داری بنده‌ها دارد که حکم وجوب را برای روزه ماه مبارک رمضان صادر کرده است؟
۱۰. آیا وجوب روزه برای دختر نُه‌ساله با رحمانیت خدای متعال سازگار است؟
۱۱. در سوره بقره هدف از روزه را کسب تقوا معرفی کرده، در حالی که بسیاری از روزه‌داران متقی نبوده و با تقوا نمی‌شوند، چرا روزه‌داری به هدف اش نمی‌انجامد!
۱۲. چرا در حال روزه‌داری کار کردن را نگفته‌اند عبادت است بلکه فرموده‌اند خواب عبادت است، آیا این امر نوعی دعوت به تنبلی نیست؟
۱۳. با توجه به اینکه قطب‌های شمال و جنوب که شش ماه شب و شش ماه‌روز هستند با معیار نماز و روزه تناسبی ندارد، آیا احکام اسلام برای مردم جزیره‌العرب بوده است؟

۱۴. روزه گرفتن در ایام بسیار گرم و طولانی برای بدن به ویژه کلیه‌ها ضرر دارد. چرا باید در چنین ایامی روزه گرفت؟

۱۵. از علت‌های وجوب روزه درک احوال فقرا و گرسنگان است، لکن روزه‌داران هیچ‌گاه حال گرسنگان را درک نخواهند کرد، زیرا به افطار اطمینان دارند! و برای آن لحظه‌شماری می‌کنند.

۱۶. چرا روزه‌داری در روز عید فطر حرام است؟

۱۷. اینکه به غسل در هر شب از دهه آخر ماه مبارک رمضان سفارش شده است آیا این موضوع اسراف نیست؟

۱۸. در مواقعی که نسبت به ضرر روزه‌داری تردید داریم، تکلیف شرعی چیست؟ آیا نظر پزشک ملاک است؟

۱۹. پیرمردی که به علت پیری و مریضی، به سختی و شدت روزه‌داری می‌کند، آیا مرتکب حرام شده است؟

۲۰. زن حامله‌ای که نمی‌داند روزه برای فرزندش ضرر دارد یا نه تکلیف اش چیست؟

۲۱. مسافرت ساختگی در ماه مبارک رمضان برای فرار از روزه از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

۲۲. آیا امر به معروف و نهی از منکر کسی که در ماه مبارک رمضان علناً مفطرات روزه را مرتکب می‌شود در

نظام اسلامی بر عهده حکومت و نهاد امر به معروف و نیروی انتظامی است یا حکمی عمومی است؟

۲۳. روزه زن مستحاضه با چه شرایطی صحیح است و در صورت عدم اطلاع یا عدم انجام وظیفه چه حکمی

دارد؟

۲۴. اگر در ماه مبارک رمضان خانمی که استحاضه‌اش متوسطه است، غسل را به جا نیاورد، حکم روزه‌اش

چیست؟

۲۵. آیا گرفتن قضای روزه واجب فوری است؟

۲۶. برخی افراد روزه می‌گیرند ولی نماز نمی‌خوانند، آیا روزه این افراد صحیح است؟

۲۷. بنده در ذوب آهن کار می‌کنم، حرارت بسیار زیاد است، باین حال آیا روزه بر من واجب است؟ شنیده‌ام

برخی از مراجع شرایطی را برای امثال این شغل تجویز کرده‌اند، آیا به همین دلیل سهولت می‌توان مرجع تقلید را

تغییر داد؟

۲۸. اگر روزه‌بگیرم مطمئناً نمی‌توانم خوب درس بخوانم و نمراتم کم می‌شود، در این صورت پدر و مادرم

ناراحت می‌شوند، وظیفه من چیست؟

۲۹. طریقه غسل واجب بر فرد در سحرگاه ماه مبارک رمضان با تنگ بودن وقت چگونه است؟

پاسخ این سؤالات را می‌توانید در ادامه مطلب پی‌گیری کنید:

۱. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هنگام ازدواج با پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) چند سال

داشتند؟

به جهت اینکه بسیاری از بزرگان اهل سنت و راویان و تاریخ نویسان پیرو مذهب خلفاء، در صدر اسلام خوش نداشتند، شخصی را بالاتر از عایشه در بین همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) معرفی کنند؛ لذا دست به پاره‌ای روایات دروغ و استدلال‌های باطل زده‌اند، و به همین دلیل سن حضرت خدیجه یکی از مسائل پیچیده صدر اسلام است؛ آنچه در منابع معتبر تاریخی معروف و مشهور است، این است که سن پیامبر، ۲۵ سال و سن خدیجه (سلام الله علیها) ۴۰ سال بوده است. ولی از آنجایی که حق هیچگاه مخفی نمانده و نخواهد ماند، در لابلای کلمات مورخین و علما اعترافاتی موجود است، که احتمال تحریف واقعیت خارجی را تقویت می‌نماید. پس از گذشت بیش از نه دهه، منع نقل احادیث، بسیاری از احادیث و حتی اتفاقات تاریخی دچار تحریف و یا تغییر شد. و از طرفی چون پیامبر گرامی چندین زن داشتند، و به اقرار برخی از این زن‌ها به حسادت به حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، آنها یا برخی جااعلان، نقل‌های تاریخی جعلی برای سن حضرت خدیجه (سلام الله علیها) روانه بازار تاریخ و روایات کردند. و چون بازار جعل و تحریف حدیث، داغ بود، باعث شد سن حضرت در هنگام ازدواج در هاله‌ای از حق و باطل پوشانده شود.

بیهقی (از علمای بزرگ اهل سنت) سن ازدواج ایشان را ۲۵ ساله می‌داند. (۱) و قول بیشتر مورخین این است که ایشان در سن ۲۸ سال ازدواج کرده اند. (۲) البته برخی نیز همان نظر مشهور که ازدواج در سن ۴۰ سالگی حضرت خدیجه بوده است را ذکر کرده اند. (۳) استاد جعفر مرتضی در کتاب «الصَّحیح من سیرة النَّبی صلی الله علیه و آله» می‌نویسد:

بعضی روایات بر این دلالت می‌کند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با هیچ دختری جز عایشه ازدواج نکرد. روایات دیگری دلالت دارد که خدیجه، قبل از پیامبر، دو ازدواج کرده بود، ولی ما در صحّت این روایات شک داریم. اول این که ابن شهر آشوب گفته: احمد بلاذری و ابوالقاسم کوفی در کتاب هایشان و سید مرتضی در شافی و ابو جعفر در تلخیص، روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه ازدواج کرد در حالی که باکره بود. دوم اینکه - هیچ بعید نیست که خدیجه در این مدت طولانی، ازدواج نکرده باشد؛ چون پدرش در «جنگ فجار» کشته شد و ولی او به اندازه پدر، بر وی تسلط نداشت که بتواند او را به ازدواج با کسی اجبار کند، و در این مدت ازدواج نکرده بود و بزرگانی را که به خواستگاری او آمده بودند، رد کرده بود تا کسی را که دارای صفات عالی و شأن ممتاز باشد، بیابد. سن حضرت خدیجه به هنگام ازدواج نیز، مورد اختلاف واقع شده، اگر چه مشهور این است که ایشان چهل سال داشته، ولی اقوال دیگری هم مطرح است که

۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۵ و ۴۵ سال نیز، گفته شده است. (۴ و ۵)

۲. علت اصلی تصمیم ابن ملجم بر قتل امام علی (علیه السلام) چه بود؟

ابن ملجم از جمله ۱۰ نفری بود که حاکم یمن آن‌ها را از بین ۷۰ نفر انتخاب نمود تا به دیدار امام علی (علیه السلام) آمدند. (۶) و در محضر امام (علیه السلام) ایشان را بسیار ستود و حضرت علی (علیه السلام) را پیشوای عادل، ماه شب چهارده شیر ژیان و دلاور، وصی رسول الله و وارث و خلیفه پیامبر خواند. (۷)

از نظر تاریخی مسائلی به عنوان زمینه ساز این جنایت مطرح شده است: ابن سعد، انتقام را انگیزه قتل می‌داند و می‌نویسد: به دنبال شکست خوارج در نهروان، سه تن از آنان، عبدالرحمن بن ملجم، برک بن عبدالله تمیمی و عمرو بن بکیر تمیمی در مکه گرد آمدند و پس از رایزنی بر آن شدند که همزمان، علی (علیه السلام)، معاویه و عمرو بن عاص را بکشند. عبدالرحمن کشتن علی (علیه السلام) را به عهده گرفت و به کوفه آمد و با یارانش از خوارج دیدار کرد. وی در مواجهه زن زیبارویی به نام قُطام دختر شجنه بن عدی به او دل باخت و از او خواستگاری کرد. زن که پدر و برادرش در نهروان کشته شده بودند، این پیشنهاد را پذیرفت و یکی از شرایط ازدواج را کشتن علی (علیه السلام) قرار داد. (۸)

ابن اعثم کوفی عشق ابن ملجم به قطام را دلیل بر قتل امیر مؤمنان ذکر کرده و می‌گوید: پس از جنگ نهروان و پیش از رسیدن علی (علیه السلام) به کوفه، ابن ملجم به کوفه وارد شد و خبر کشته شدن خوارج را به طرفدارانشان داد. او در کوفه به زنی به نام قطام دختر اضع تمیمی دل باخت و از او تقاضای ازدواج کرد. بنا بر این نقل، عبدالرحمن در شب ۲۳ رمضان در خانه قطام به سر برد و شراب نوشید و مست افتاد و چون بانگ اذان صبح برخاست، قطام او را بیدار کرد و به مسجد کوفه فرستاد و سرانجام چون علی (علیه السلام) خواست در رکعت دوم به سجده رود، شمشیر ابن ملجم بر سرش فرود آمد. (۹)

در منابع روایی برخی عوامل دیگر نیز ذکر شده است:

عوامل متعددی در منابع ذکر شده است که به اختصار بدان‌ها اشاره می‌گردد:

الف) عدم مراعات والدین:

از نظر اسلام رابطه زناشویی بین زن و شوهر در ایام عادت ماهانه ممنوع و حرام است. امام علی (علیه السلام) به ابن ملجم فرمود: «قَدْ أَخْبَرْتِكَ أُمَّكَ أَنَّهَا حَمَلَتْ بِكَ فِي بَعْضِ حَيْضِهَا؛ (۱۰) مادرت به تو خبر داد که در بعض روزهای عادتش تو را حامله شده است»

ب) خوردن شیر زن یهودیه:

وقتی حضرت امیر (علیه السلام) از ابن ملجم بیعت گرفت، به او گوشزد کرد که به پیمان و عهدت وفا نمی‌کنی. ابن ملجم شدیداً اظهار محبت کرد و گفت: «إِنَّ قَلْبِي يُحِبُّ لَكَ، قَلِيمَ مَا لِمَالِ مَحَبَّتِ شِمَاسْت.» حضرت تبسمی کرد، و بعد فرمود: تو را باخدا ای برادر مرادی! اگر از چیزی (خبر گونه) پرسش کنم، مرا تصدیق می‌کنی؟

عرض کرد: آری، قسم به جان و زندگی شما ای امیر مؤمنان! حضرت فرمود: «هَلْ كَانَ لَكَ دَايَةٌ يَهُودِيَّةٌ فَكَانَتْ إِذَا بَكَيْتَ تَضْرِبُكَ وَ تَلْطِمُ جَبِينَكَ وَ تَقُولُ لَكَ اسْكُتْ فَإِنَّكَ أَشَقَى مِنْ عَاقِرٍ نَاقَهٍ صَالِحٍ وَ إِنَّكَ سَتَجْنِي فِي كِبْرِكَ جِنَايَةً عَظِيمَةً يَغْضَبُ اللَّهُ بِهَا عَلَيْكَ وَ يَكُونُ مَصِيرُكَ إِلَى النَّارِ فَقَالَ قَدْ كَانَ ذَلِكَ وَ لَكِنَّكَ وَ اللَّهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ؛ آیا برای تو دایه یهودیه‌ای نبود که هرگاه گریه می کردی تو را می زد و بر پیشانی ات لطمه وارد می کرد و می گفت: ساکت شو، به راستی تو شقی تر از پی کننده ناقه صالح هستی و به راستی تو در بزرگی جنایت بزرگی انجام خواهی داد و سرانجامت به سوی آتش است.» پس ابن ملجم گفت: همین گونه بوده است؛ و لکن به خدا قسم ای امیر مؤمنان! تو از هر کسی در نزد من محبوب تری. (۱۱)

امام علی (علیه السلام) فرمود: مکرر از رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) شنیدم که می فرمود: «إِنَّ قَاتِلَكَ شِبْهُ الْيَهُودِيِّ بَلْ هُوَ يَهُودِيٌّ» (۱۲)؛ به راستی قاتل تو شبیه یهودی، بلکه یهودی است.»
ج) نفس اماره و عشق سرکش:

متأسفانه برخورد ابن ملجم با قطام و عشوه و عرضه‌هایی که او از خود نشان داد، به خوبی این امر را ثابت کرد که او بر نفس خویش مسلط نبوده است، و در کنترل شهوت و چشم و هوای نفسانی به شدت ضعف دارد. او با چند نگاه شهوت آلود آن چنان مهار کنترل نفس را از دست داد که حتی کمترین مسائل دینی را مراعات نکرد؛ ۱. با دختر نامحرم خلوت کرد، ۲. از دیدن سروصورت و زیبایی او پرهیز نکرد، ۳. از دست زدن به نامحرم و... دوری نکرد. نفس سرکش ابن ملجم از یک طرف و عشوه و کرشمه‌های بیش از اندازه قطام از طرف دیگر او را اسیر عشق سرکش و خطرناک خود کرد. جالب است که عشق سرکش او شبیه عشق عاقر ناقه صالح است؛ زیرا از «ابن عباس» نقل شده است؛ که: [گویا] ابن ملجم شبیه فرزند «قدار» پی کننده ناقه صالح است، و سرگذشت این دو نفر نیز یکی است: «لِأَنَّ قُدَارَ عَشِقَ امْرَأَةً يُقَالُ لَهَا رِيَابٌ كَمَا عَشِقَ ابْنُ مُلْجَمٍ قَطَامًا؛ (۱۳) زیرا قدار عاشق زنی به نام «ریاب» شد، چنان که ابن ملجم عاشق قطام گشت». این عشق آن چنان چشم و گوش او را کور و کر کرد که با اینکه خود می گفت: «افسدت دینی» با این حال نتوانست از چنگال آن رها شود و سرانجام با آن عشق ننگین آن جنایت بزرگ را مرتکب شد. (۱۴)

۳. با توجه به اینکه اعتکاف ده روزه نوعی چله نشینی است، آیا اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان

منبع موثقی دارد؟ شایع شده که از آیین یهود به دیگر ادیان ابراهیمی رخنه کرده است!

این سؤال دو قسمت دارد که هر کدام را جداگانه پاسخ می گوئیم:

قسمت اول: مبنای اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان

مبنای این عمل سیره عملی خود رسول الله است چه آنکه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) همه ساله در دهه آخر ماه مبارک رمضان اعتکاف می کرد و دستور می داد رختخوابش را برچینند و چادری در مسجد بر پا کنند و همیشه می فرمود: «ده روز اعتکاف در ماه مبارک رمضان، برابر با دو حج و دو عمره است». (۱۵)

قسمت دوم: پیشینه اعتکاف و شباهت یا تفاوت با یهود

خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَ عَهْدِنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرَّكَّعِ السُّجُودِ» (۱۶) «و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید».

مراسم اعتکاف، به زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) برمی گردد و بعد از او در بعضی از شریعت ها و در زندگی برخی از صالحان - حضرت مریم و زکریا (علیهما السلام) - به چشم می خورد. با ظهور دین اسلام، این امر شکل تازه ای به خود گرفت و در میان مسلمانان، به عنوان یک عبادت مستحب با آداب و شرایط خاص رایج شد.

این مراسم معنوی توسط پیامبر و اهل بیت اجرا شد که غیر از رسول الله که بیان شد، گزارش اعتکاف امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) (۱۷) و امام صادق (علیه السلام) (۱۸) را داریم. اعتکاف در دوران غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز ادامه داشته به ویژه در عصر صفوی که در سایه تلاش های عالمان دینی در شهرهای ایران رونق خاصی یافته است. (۱۹)

۴. اگر حضرت علی (علیه السلام) از قبل، زمان و مکان شهادت خود را می دانستند، آیا لازم نبوده برای حفاظت از جان خود اقدامی کنند؟

هر چند ائمه (علیهم السلام) از علم غیب برخوردارند و به وقایع گذشته و حوادث حال و آینده آگاهی دارند. اما تکلیف آنان مانند سایر افراد بشر بر اساس علم عادی است. علم غیب برای آنان تکلیفی به دنبال نمی آورد. به همین دلیل علم غیب ائمه (علیهم السلام) از نحوه شهادت خود برای آنان تکلیف آور نیست.

برای حضرت علی (علیه السلام) بر اساس علم عادی بشری شب نوزدهم رمضان سال چهارم هجری مانند سایر شب هاست. به همین جهت به سمت مسجد حرکت می کند. علم غیبی که به اذن خداوند در مورد شهادت خود دارد، برای ایشان تکلیفی ایجاد نمی کند. او مأمور است که بر اساس علم عادی عمل نماید.

البته اگر از راه طبیعی کسی به ایشان خبر می داد که امشب بنا است شما را در مسجد ترور نمایند، چه بسا حضرت از رفتن خود داری می نمود، یا احتیاط بیش تری به خرج می داد، چنان که وقتی چنین خبری به امام حسن (علیه السلام) داده شد، حضرت زیر لباس خود زره پوشیدند. برخی از کسانی که این پاسخ را ذکر کرده اند، در تأیید این مطلب که ائمه بر اساس علم عادی خود مکلف هستند، دو دلیل ذکر می کنند:

۱- عمل بر اساس علم غیب با حکمت بعثت انبیا و نصب ائمه منافات دارد، زیرا در این صورت جنبه اسوه و الگو بودن خود را از دست خواهند داد. افراد بشر از وظایف فردی و اصلاحات اجتماعی به بهانه برخوردار بودن ائمه از علم غیب و عمل بر اساس علم خدادادی از وظیفه خود سرباز خواهند زد.

۲- عمل بر اساس علم غیر عادی موجب اختلال در نظام عالم هستی است، زیرا مشیت و اراده خداوند به جریان امور بر اساس نظام اسباب و مسببات طبیعی و علم عادی نوع بشر تعلق گرفته است. به همین جهت پیامبر و ائمه (علیهم السلام) برای شفای بیماری خود و اطرافیان خویش از علم غیب استفاده نمی کردند. (۲۰)

۵. امروزه با ماشین‌های کولر دار روزه‌داری آسان است پس چرا روزه در سفر حرام است؟

در پاسخ به این سؤال باید به دو نکته توجه داشت:

الف) روزه مسافر در قرآن

در آیات ۱۸۴ و ۱۸۵ سوره بقره پس از بیان حکم و وجوب روزه در آیه ۱۸۳، حکم روزه مسافر را در کنار روزه مریض بیان می‌کند. در آیه ۱۸۴ سوره بقره آمده است که: «أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ... وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ (روزهای محدودی را - باید روزه بدارید - و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد، باید - روزه بدارد - تعدادی از روزهای دیگر را ... و روزه داشتن به نفع شماست اگر می‌دانستید). به دنبال آن در جهت تأکید بر این مطلب، در آیه ۱۸۵ می‌فرماید: «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتَكْمِلُوا الْعِدَّةَ»؛ (پس آن کس از شما که در ماه مبارک رمضان در سفر نباشد، باید آن را روزه بدارد؛ و آن کس که بیمار یا در سفر است، باید روزهای دیگری را به همان مقدار، روزه بگیرد. خداوند، آسایش شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را. هدف این است که این روزها را تکمیل کنید)؛ بنابراین قرآن صراحتاً از روزه در مسافرت نهی کرده است.

ب) فلسفه بطلان روزه مسافر

برخی از افراد می‌گویند: امروزه سفرها مثل قدیم با شتر، اسب و قاطر نیست که سفر همراه با مشقت و سختی زیادی باشد. هم‌اکنون افراد زیادی با هواپیما، در عرض کمتر از یک ساعت صدها کیلومتر را طی می‌کنند بدون اینکه احساس خستگی کنند. آیا با این حال، بازهم باید در سفر نماز را شکسته خواند و روزه نگرفت؟ آیا همچنان وظیفه مسافر این است که روزه خود را افطار کند؟

این سخن هنگامی صحیح است که علت اصلی این حکم - عدم وجوب روزه مسافر - برای شخصی که در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌زیسته، سختی و مشقت راه و سفر بوده است. خداوند نیز برای اینکه مسافران

به سختی و مشقت نیفتند، حکم به عدم وجوب روزه مسافر کرده است؛ و از سوی دیگر، چون سفرهای قدیم ناگزیر همراه با این دشواری‌ها بوده است به نحوی که عملاً حکم به روزه‌داری تکلیف بما لایطاق بوده است، حکم به بطلان روزه مسافر شده است.

اما این فرض صحیح نیست؛ زیرا اگر علت اصلی این حکم، مشقت و سختی سفر بود:

۱- باید کسی که مدت طولانی‌تری در سفر بوده، نسبت به حکم روزه مسافر - به خاطر شدت خستگی - اولی‌تر باشد. در حالی که حکم روزه مسافر در مقصد - چه یک ماه در راه سفر بوده باشد و چه یک روز - بستگی به مدت اقامت او در مقصد دارد، نه طول مدتی که در مسیر سفر بوده است.

۲- اگر کسی پس از سفری یک‌ماهه، قصد کرد تا ده روز در مقصد بماند؛ پس از رسیدن به مقصد روزه گرفتن بر او واجب است؛ و اگر کسی پس از سفری یک‌روزه، نیت کرد هشت روز در مقصد بماند، روزه پس از رسیدن به مقصد بر او واجب نیست. حال سؤال این است که اگر فلسفه احکام روزه مسافر رفع مشقت و سختی سفر است، آیا تکلیف این دو شخص در فرض مذکور با فلسفه احکام مسافر سازگار است؟ یا باید بالعکس می‌بود؟

۳- علاوه بر این، اگر علت اصلی بطلان روزه مسافر مشقت و سختی سفر باشد؛ لازم است کسی که شغلش مسافرت است و دائم در سفر است، نمازش شکسته و روزه بر او واجب نباشد. در حالی که باید نمازش را تمام بخواند و روزه‌اش را نیز بگیرد.

۴- همچنین شخصی که به سفر معصیت می‌رود باید نمازش را کامل بخواند و روزه‌اش نیز صحیح است، چه سفر او همراه با مشقت و سختی باشد و چه نباشد.

بنابراین نمی‌توان گفت سختی و مشقت در سفر علت اصلی در احکام روزه مسافر است. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: شخصی نزد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمد و گفت: ای رسول خدا! آیا در ماه رمضان، در سفر، روزه بگیرم؟

حضرت فرمود: خیر. سپس آن شخص گفت: (این کار بر من آسان است)؛ «إِنَّهُ عَلَيَّ يَسِيرٌ». حضرت فرمود: خداوند عزوجل بر بیماران و مسافران امت من، روزه نگرفتن را تصدق کرد. آیا خوب است که به یک نفر از شما صدقه‌ای داده شود و او رد کند. (۲۱) اگر مشقت و سختی تنها دلیل بطلان روزه مسافر بود، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در پاسخ آن شخص که گفت: «إِنَّهُ عَلَيَّ يَسِيرٌ»، سخن دیگری می‌فرمود و او را امر به روزه گرفتن می‌کرد.

نتیجه

با توجه به آیات قرآن کریم و روایات رسیده از اهل بیت (علیهم‌السلام)، روزه در سفر صحیح نیست. دلالت

نصوص به خصوص آیات قرآن بر این مطلب بسیار واضح و روشن است، به گونه‌ای که در بسیاری از روایات برای حکم روزه مسافر به ظاهر آیات مربوطه استناد شده است. فلسفه بطلان روزه مسافر مانند برخی دیگر از احکام، بر ما پوشیده است؛ بنابراین چه سفرهای امروزی همراه با سختی و مشقت باشد و چه نباشد، نقش و تأثیری در حکم روزه مسافر نخواهد داشت.

۶. برخی به استناد کتاب «من لایحضره الفقیه» می‌گویند امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: ماه مبارک رمضان کمتر از ۳۰ روز نیست؟

شکی نیست که یکی از منابع استنباط احکام شرعی سنت (قول و فعل و تقریر) معصومین (علیهم السلام) است که در قالب روایات به ما رسیده است؛ اما باید توجه داشت که با توجه به وجود روایات ضعیف و مجعول و متعارض و صادره شده در مقام تقیه و ... به کارگیری روایات و استفاده از آنها در استنباط احکام شرعی مستلزم تخصص و تبخّر در علم حدیث‌شناسی (رجال و درایه) و علم اصول فقه و برخی علوم دیگر است؛ و لذا چه بسا روایاتی که در منابع روایی نقل شده، ولی به سبب ضعف یا تعارض با ادله قوی‌تر یا صدور در مقام تقیه و یا سایر علل مبنای حکم فقهی قرار نگرفته است.

در خصوص مسئله دیدگاه روایات در تعیین آغاز و پایان ماه مبارک رمضان نیز همین مسائل مطرح است. برخی روایات ماه شعبان را ۲۹ روز و ماه مبارک رمضان را همیشه سی روز می‌دانند که این روایات به «اخبار عدد» مشهورند مانند این روایت که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: «شَعْبَانُ لَا يَتِمُّ أَبَدًا رَمَضَانُ لَا يَنْقُصُ وَاللَّهِ أَبَدًا» (۲۲) «شعبان هرگز تمام نیست، و رمضان به خدا هرگز کم نشود». طبق این روایات، با گذشت ۲۹ روز از ماه شعبان، ماه مبارک رمضان آغاز می‌شود؛ خواه هلال ماه دیده شود یا نشود.

در مقابل آنها، روایات متعددی قرار دارند که دلالت می‌کنند. اول ماه مبارک رمضان تنها با دیدن هلال ثابت می‌شود و صرف گذشتن ۲۹ روز از شعبان برای آغاز ماه مبارک رمضان کافی نیست که این روایات به «اخبار رؤیت» مشهورند؛ مانند این روایت که راوی می‌گوید: «كَتَبْتُ إِلَيْهِ وَأَنَا بِالْمَدِينَةِ - أَسْأَلُهُ عَنِ الْيَوْمِ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ مِنْ رَمَضَانَ - هَلْ يُصَامُ أَمْ لَا فَكَتَبَ الْيَقِينُ لَا يَدْخُلُ فِيهِ الشَّكُّ صُمْ لِلرُّؤْيَةِ وَ أَفْطِرْ لِلرُّؤْيَةِ.» (۲۳) «به ایشان [امام حسن عسکری یا امام هادی (علیهما السلام)] نامه نوشتم و درباره روزه یوم‌الشک پرسیدم که آیا جزء روزه رمضان است یا نه؟ حضرت در پاسخ نوشتند که شک را وارد یقین نکن! با رؤیت [هلال] روزه‌بگیر و با رؤیت افطار کن.»

در این روایت و روایات متعدد دیگر، ملاک آغاز و پایان ماه مبارک رمضان رؤیت هلال دانسته شده است.

قول مشهور میان فقها نیز، عمل به اخبار رؤیت و ثبوت اول ماه با دیدن هلال و عمل نکردن به اخبار عدد است (۲۴) [به دلیل ضعیف بودن اخبار عدد از دیدگاه ایشان و در تعارض بودن با روایات معتبر] علامه حلی ره در مورد این حدیث می‌فرماید: این حدیث خبر واحدی است که با قرآن و اخبار متواتر در تعارض است. (۲۵)

۷. چرا در تعیین روز عید فطر اختلاف وجود دارد؟ وظیفه مکلفین چیست؟

عوامل متعددی باعث اختلاف نظر گردیده است که موارد ذیل را می‌توان از مهم‌ترین آن‌ها دانست:

۱_ برای برخی از مراجع، رؤیت ماه اثبات می‌شود، مثلاً دو شاهد عادل از نمایندگان آن‌ها در شهرهای مختلف ماه را ببینند یا افرادی که به نظر آن‌ها معتبر و عادل هستند، می‌گویند ماه را دیده‌ایم. این موجب می‌شود که آن‌ها روز عید فطر و اول ماه را اعلام کنند.

۲_ اختلاف مبنایی در رؤیت ماه: بعضی از مراجع دیدن ماه در نیم کره زمین را برای تمام کسانی که در یک نیم کره هستند، حجت می‌دانند؛ اما بنا بر نظر برخی مراجع دیگر، دیدن ماه در یک منطقه، باعث می‌شود برای مردم آن منطقه و یا برای مردم مناطقی که با آن منطقه هم‌افق هستند اول ماه ثابت شود.

۳_ اختلاف مبنایی در موضوع رؤیت، بدین معنا که آیا رؤیت (دیدن) باید با چشم معمولی بدون وسایل پیشرفته مثل تلسکوپ یا دوربین باشد، یا رؤیت با این وسایل هم اعتبار دارد؟ اخیراً تعدادی از مراجع دیدن ماه را با وسائلی از قبیل تلسکوپ و دوربین معتبر دانسته‌اند.

۴- یکی از راههای اثبات اول ماه حکم حاکم شرع است که برخی مراجع، حکم حاکم اسلامی را بعنوان دلیل اثبات قبول دارند.

و موارد دیگری که ممکن است به خاطر اختلاف در آن موارد علمی، اختلاف نظرهایی در رابطه با اثبات رؤیت هلال پیش بیاید.

بنابراین اگر هر فردی بر اساس مبنا و نظر اجتهادی مجتهد و مرجع تقلید خود عمل کند مشکلی به لحاظ انجام وظیفه شرعی پیش نیامده و همه مکلفان (با وجود اختلاف فتوای مراجع تقلیدشان) نزد خدا مأجور و معذور می‌باشند.

وظیفه مکلفین نیز این است که: در ثبوت اول ماه تقلید راه ندارد. بلکه اگر شخص از گفته و اعلام نظر مرجع تقلید، اطمینان به رؤیت ماه پیدا کند، باید روزه خود را افطار کند و اگر شک داشت، باید آن روز را روزه بگیرد.

۸. آیا نماز و روزه استیجاری برای میت، نوعی تکریم برای متمولین و مقدمه ورود به بهشت برای آنان نیست؟

اهمیت بعضی از عبادات به نوعی است که خدای متعال خواسته در هیچ حال رها نشوند. از جمله نماز که هرگز نباید آن را ترک کرد؛ و جزئیات فراوانی برای نماز در حالات مختلف، در کتاب‌های فقهی بیان شده است تا آنجا که حتی با اشاره یا با خطور در قلب باید نماز را به جای آورد؛ و درجایی که شرایط آن نیز وجود ندارد، اگرچه شرایط ساقط می‌شود، اما اصل نماز هرگز ساقط نمی‌شود. و اگر در زمان مقرر نماز به جای آورده نشد، باید بعد از وقت آن را به نیت قضا به جای آورد؛ و حتی اگر تا آخر عمر به جای آورده نشد، باید پس از مرگ به جای آورده شود. از همین رو، بر پسر بزرگ‌تر واجب است که نمازهای قضای پدر خویش را به جای آورد. بنابراین اهمیت نماز سبب شده در هیچ حالتی اجازه رها کردن آن را نداشته باشیم. نکته مهم این که برای انجام دادن نماز به جای دیگری، پول و تمکن موضوعیت ندارد؛ یعنی نگفته‌اند برای نماز نیابتی حتماً باید پولی پرداخت شود. بلکه در گام اول، کسانی که به شخص متوفی علاقه دارند، سعی می‌کنند عبادات قضا شده او را انجام دهند و در روایات نیز حرفی از این که برای نماز میت، پولی به کسی پرداخت شود، چیزی نیامده است. نهایتاً اگر هیچ‌کسی پیدا نشد که این کار را انجام دهد، ناچارند به کسی دستمزدی پرداخت کنند تا او این کار را انجام دهد.

فوائدی برای خواندن نمازهای قضا بعد از مرگ، به ذهن انسان متبادر می‌شود که فقط برای خود میت نیست بلکه فایده‌های مهمی نیز برای دیگران نیز دارد:

الف: وقتی می‌بینی حتی بعد از مرگ عزیزان باید نماز و روزه آنان را پیگیری شوی، ادای فریضه‌های خانواده‌ات برایت مهم می‌شود. برای فرزند بزرگ‌تر مهم خواهد بود که پدر و مادرش نماز و روزه خود را اشتباه نخوانند. برای پدر و مادر مهم می‌شود که بار زحمت بر فرزندان و بازماندگان نیندازند. شاید خدای متعال این حکم را برای یاد خدا توسط بازمانده‌ها نیز طراحی کرده باشد.

ب: برای آنان که در دنیا هستند و نماز و روزه سفارش می‌دهند و یا نماز و روزه استیجاری انجام می‌دهند نیز بالاخره یاد نماز و روزه و یا تکرار ذکرهای الهی که مقدمه توجه قلب است اتفاق می‌افتد.

ج: همیشه باید حساب و کتاب نمازها و روزه‌های باقی‌مانده را داشته باشند تا بتوانند به دیگران سفارش کنند برایشان انجام دهند.

د: اهمیت دادن به احترام فرزندان به والدین حتی والدین گناهکار؛ یعنی جدای از اثری که این نماز برای میت دارد، جنبه تربیتی آن برای فرزند و اطرافیان است. فرزندی که سال‌ها سر سفره این پدر بوده، و هر چه دارد از لطف پدر است باید نسبت به زحمات پدر، قدردان باشد و حتی نسبت به آخرت او نیز احساس تکلیف داشته باشد، همان‌گونه که پدر و مادر برای تربیت صحیح فرزند خود و عاقبت‌بخیری او دغدغه داشته‌اند.

فوایدی نیز برای خود میت دارد:

۱_ با توجه به اینکه رشد معنوی انسان‌ها پس از مرگ نیز ادامه دارد. (هرچند سرعت اثر عمل، به دلایلی که قابل بحث است، به شدت بعد از مرگ کم می‌شود) اینکه کسی در برزخ متوجه می‌شود عزیزانش به یاد او کار خیری را آغاز کرده‌اند، در او می‌تواند اثرگذار باشد؛ بنابراین نباید تصور کنیم کسی که از دنیا می‌رود، وارد محیطی منجمد خواهد شد و هیچ تغییری در او تا ابد ایجاد نخواهد شد. سرنخ روشن این نکته را در روایات و آیات می‌توانیم بیابیم؛ بنابراین با این نکته، خواننده شدن نماز به یاد کسی، می‌تواند تا حدودی جبرانی حقیقی (و نه فقط قراردادی) برای او باشد. بعید نیست همان‌طور که در دنیا مکانیسم‌هایی وجود دارد، همان‌طور که چیزهایی خاصیت‌های خوب و بدی دارند، در برزخ هم مکانیسم‌هایی وجود داشته باشد که کمک به رشد روحی و معنوی انسان نماید. برای مثال، شاید مناسباتی در برزخ موجب شود میت منتظر خیرات بازماندگان خود شود تا روحیاتی در او ایجاد گردد و رشدی برایش به وجود آید.

۲_ شخصی که زنده است، باید در مهلت مقرر نسبت به نماز و روزه خود اقدام کند و گرنه مرتکب گناه شده و «اگر فرصت توبه پیدا نکند»، بعد از مرگ «حتی با وجود جبران توسط بازماندگان» ممکن است برخی مشکلات وی باقی بماند و جبران مادی کافی نباشد. وظیفه او این بوده که در مهلت باقی مانده عمر خودش، نماز و روزه قضای خود را به جای آورد؛ ضمن اینکه ممکن است وارثان به نحوی از هزینه کردن برای نماز و روزه قضای میت فرار کنند؛ بنابراین این گونه نیست که وقتی دیگران نمازهای میت را قضا کنند، برای میت مانند نماز خودش باشد. میتی که نماز نخوانده قطعاً به خاطر ترک نماز عقاب می‌شود، اما نمازهایی که دیگران برای او می‌خوانند می‌تواند موجب تخفیف در عذاب او و برطرف شدن برخی گرفتاری‌های برزخی او شود که البته در آن شرایط دشوار، برای میت بسیار مهم است.

البته روشن است که هر کس به اندازه همت و عزم خود، از نماز بهره می‌برد. هرگز کسی که نماز را به جماعت و با حضور قلب و در اول وقت می‌خواند، با کسی که آداب نماز را رعایت نمی‌کند، قابل مقایسه نیست، چه برسد به کسی که آن قدر نماز را عقب انداخته که پس از مرگش دیگران بخوانند برای او انجام دهند. فوایدی که گفته شد به این معنا نیست که خداوند متعال به خاطر این فواید، قضای نمازهای میت را بر پسر بزرگتر واجب کرده باشد. ما به علت و حکمت اصلی این حکم الهی، علم نداریم. این فواید، مسائلی است که به ذهن می‌رسد و شاید در این حکم مؤثر بوده باشد.

۹. خدای متعال چه نیازی به روزه‌داری بنده‌ها دارد که حکم وجوب را برای روزه ماه مبارک رمضان صادر کرده است؟

باید دانست که خداوند بی‌نیاز مطلق بوده و نقصی در خداوند نیست که احتیاج به عبادات بندگان خود داشته باشد. بلکه اگر ماهیت تکالیف الهی دقت شود همه آن‌ها برای تربیت بشر واجب گردیده است. لذا وقتی به فلسفه تشریح برخی تکالیف دینی توجه می‌کنیم همه دارای برنامه برای رشد و ترقی باورهای دینی و ارزش‌های معنوی برای بشر است و تمام منافع آن برای اوست. لذا به‌طور اختصار فلسفه وجوب روزه را در ابعاد مختلف بیان می‌شود:

الف) بُعد عرفانی: روزه مایه تقرب به خداوند متعال است، زیرا روزه باعث کنترل شهوت نفس شده و آدمی را به یاد روز قیامت انداخته و عطش و گرسنگی آن روز را یادآوری می‌کند و انسان را از کسالت‌ها و مفاسد که از محکم‌ترین ریسمان‌های شیطان است، می‌رهاند. دلیل این مطلب روایتی است که از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که شیطان آمد نزد یحیی پیغمبر (علیه‌السلام)، حضرت یحیی فرمودند این‌ها که به خود آویخته‌ای چیست؟ شیطان گفت: شهواتی است که به‌وسیله آن‌ها فرزندان آدم را دچار می‌کنم حضرت فرمود: آیا برای من هم در آن چیزی هست؟ شیطان گفت هرگاه شکم خود را سیر کردی از خوراک، پس تو را باز می‌دارم از نماز و یاد خدا، حضرت یحیی قسم یاد کرد که شکم خود را هرگز از طعام پر نخواهم کرد. (۲۶)

بدون شک از مجرب‌ترین وسایل جهت تعدیل شهوت، گرسنگی کشیدن است؛ و شایان ذکر است که احادیث فراوانی در کتب روایی ما وجود دارد که روزه و روزه‌داری را مایه تقرب به خداوند دانسته‌اند که به‌طور نمونه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱_ پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در ضمن توصیه‌ای به اسامه بن زید چنین فرموده است: «عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ قُرْبُهُ إِلَى اللَّهِ. بر تو باد روزه‌داری زیرا که روزه موجب تقرب به خدا می‌شود.» (۲۷)

۲_ خداوند متعال به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در شب معراج می‌فرماید: ای احمد آیا می‌دانی کدام وقت بنده به من نزدیک می‌شود؟ حضرت فرمود: نه ای پروردگار من. خداوند فرمود: «موقعی که گرسنه و یا در سجده باشد.» (۲۸)

ب) بُعد اخلاقی و تربیتی: علم اخلاق برای تزکیه روح انسان وضع شده با آموختن و به کار بستن آن می‌تواند روح سرکش انسانی را از چنگال رذائل اخلاقی نجات داد و آماده درک انوار معنوی شد. اگر انسان بخواهد سیر و سلوکی داشته باشد و به مراحل بالای کمال و معنویت برسد تزکیه و تخلیه از مهم‌ترین مراحل است و یکی از فوائد مهم روزه مسئله تزکیه روح و تخلیه روان است. چون روزه تنها امساک و پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست (چنانچه در حدیث شریف می‌خوانیم «رَبِّ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالْعَطَشُ» (۲۹) چه بسیار روزه‌دارانی که فقط گرسنگی و تشنگی می‌کشند) بلکه روزه حقیقی آن است که چشم و گوش و زبان

انسان همه‌روزه باشند. یعنی از ارتکاب گناهان چه کبیره و چه صغیره، اجتناب نماید و از دستورات دینی به‌طور کامل پیروی نماید، زیرا عمل به دستورات الهی و ترک نواهی موجب تصفیه باطن و تزکیه روح از آلودگی‌ها و وارستگی از رذائل اخلاقی می‌شود.

ج) بُعد اجتماعی: یکی از فلسفه‌های روزه بعد اجتماعی آن است، پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده‌اند: «و هو شهر المواسات» (ماه رمضان، ماه برادری و همدردی است) (۳۰) و امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: «خداوند روزه را واجب ساخته تا ثروتمندان درد گرسنگی را بفهمند و بر فقراء عطوفت کنند» (۳۱) یکی از مهم‌ترین منافع روزه همین مطلب است که به انسان هشدار می‌دهد که مسلمانی تنها نماز و عبادت و زیارت و اصول عبادی اسلام را بجا آوردن نیست، بلکه باید از حال فقیران و مستمندان مطلع باشی و به آن‌ها رسیدگی کنی، زیرا هر اجتماعی که اغنیاء آن به فکر مستمندان باشند، روی فقر و محرومیت را نخواهند دید و این از فوائد روزه به شمار می‌آید.

د) بُعد بهداشتی و پزشکی: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «صوموا تصحوا» روزه‌بگیرید تا سالم و تندرست باشید. (۳۲) پس یکی از آثار و فوائد روزه سلامتی جسم و بعد پزشکی آن است که اهمیت به‌سزایی دارد، چون بدن انسان در طول سال آزادانه به تغذیه خود می‌پردازد و معده انسان که آن را مرکز همه دردها دانسته‌اند، در هر زمان که انسان اراده کرده مملو از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها شده است و محدودیت خوردن و آشامیدن در یک ماه (به‌وسیله گرفتن روزه) بهترین وسیله برای سلامتی جسم و بدن انسان است.

دانشمندی در این رابطه چنین می‌گوید: «فایده روزه برای بدن مانند نوعی درمان پزشکی است. پزشکان همه به این نکته رسیده‌اند که روزه گرفتن روزهای ماه مبارک رمضان، هم چون سی عدد قرص است که هر سال مصرف می‌شود تا معده تقویت و خون تصفیه و بافت‌های خون ترمیم گردد.» (۳۳) در روایتی از رسول خدا چنین آمده است: «المعدة بيت كل داء و الحمیه (ای الامساک) رأس كل دواء». یعنی: معده خانه تمامی دردها است و امساک بالاترین داروها. (۳۴)

و دانشمندی به نام «الکسی سوفورین» بیش از ۲۳ مرض را برشمرده که به‌وسیله روزه مداوا می‌شود. (۳۵) اما چرا خدا این تکلیف را واجب کرده و آن را اختیاری نگذاشته است. «تجربه نشان داده که اگر مسائل تربیتی تحت انضباط و شرایط معین قرار نگیرد عده‌ای آن را به دست فراموشی می‌سپارند و اساس آن به کلی متزلزل می‌گردد، این‌گونه مسائل حتماً باید در اوقات معین و تحت انضباط دقیق قرار گیرد تا هیچ‌کس عذر و بهانه‌ای برای ترک کردن آن نداشته باشد.» (۳۶)

به نظر شما اگر الزامی در کار نبود؛ چند درصد از ما، با اختیار این وظیفه را انجام می‌دادیم؟ اگر قوانین راهنمایی و رانندگی الزامی نباشند چطور؟ اگر در هر جامعه‌ای رعایت قوانین را اختیاری بگذارند، فکر می‌کنید چه اتفاقی خواهد افتاد؟

بنابراین وجوب روزه علاوه بر دلایل فوق برای کمال انسان بسیار لازم بوده و اینکه حد شرعی برای روزه‌خواران قرار داده شده بدین دلیل است که حرمت و بزرگی این ماه و حفظ احترام روزه‌داران است.

۱۰. آیا وجوب روزه برای دختر نه‌ساله با رحمانیت خدای متعال سازگار است؟

در ابتدا لازم است بدانید که از لحاظ ساختار جسمی رشد زن سریع‌تر از مرد است، بنابراین دورانی که مرد در مدت پانزده سال طی می‌کند، زن در نه سال طی می‌نماید، و اینکه آیا با رحمانیت خدا سازگار است؟ در پاسخ باید گفت که:

۱_ دختر در این سن به تکلیف می‌رسد و رسیدن به تکلیف یک نوع کمال است، و رشد عقلی مکلف را نشان می‌دهد. در واقع، این یک توفیق برای انسان است که لیاقت پیدا کند که مخاطب امر الهی واقع شود.

۲_ بین بلوغ و تکلیف تفاوت وجود دارد. بلوغ یکی از شرایط تکلیف است. شرط دیگر تکلیف عبارت است از قدرت که اگر فردی قدرت انجام تکلیف مانند روزه را نداشت تکلیف از او ساقط می‌شود.

۳_ بنابراین خداوند بر اساس مصالحی بندگان را در مقاطع سنی خاص مکلف به انجام فرائضی نموده و بر مؤمنان واجب است که تبعیت نمایند. با توجه به اینکه رشد جسمی و عقلی دختران بسیار سریع‌تر از پسران بوده خدای متعال حکم کلی داده و اینکه در زمان حاضر رشد دختران در اثر عوامل مختلف ژنتیک و یا محیطی مقداری کند شده ناقض حکم الهی نیست و زمانی که به قدرت کافی رسید باید فرائض خود را انجام دهد کما اینکه قرآن مجید می‌فرماید: لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۳۷) خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.

۱۱. در سوره بقره هدف از روزه را کسب تقوا معرفی کرده، در حالی که بسیاری از روزه‌داران متقی نبوده و با تقوا نمی‌شوند، چرا روزه‌داری به هدف‌اش نمی‌انجامد!

بدون تردید یکی از مهم‌ترین حکمت‌های روزه‌داری کسب تقوا است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۳۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما مقرر شده است همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود باشد که پرهیزگاری کنید.

لکن توجه به اینکه نکته ضروری است که به عنوان مثال اگر مدرسه و دانشگاه به انسان رشد علمی می‌دهد، به این معنا نیست که هر کس به مدرسه و دانشگاه رفت به آن رشد می‌رسد بلکه به این معناست که مدرسه و دانشگاه بستر رشد است به شرط آنکه دانش آموز با جدیت درس بخواند و آنچه را می‌خواند بفهمد. (۳۹)

روزه نیز مدرسه پرورش تقوا است به شرطی که در این مدرسه خوب و درست درس تقوا را بیاموزیم و تمرین کنیم.

بنابراین اگر روزه اثر لازم را نداشت، اشکال در این اصل روزه نیست بلکه اشکال در روزه‌دار و نوع روزه گرفتن اوست.

اثرگذاری روزه همراه با یک برنامه معنوی تدوین شده است که در صورت اجرای آن می‌تواند انسان را در مسیر تقوا قرار دهد زیرا صرف گرسنگی و تشنگی فقط انجام تکلیف واجب است ولی برای کسب فضائل آن باید آن را به نحو احسن اجرا نمود مانند نماز که اگر کسی نماز می‌خواند ولی گناه هم می‌کند نشان می‌دهد که برنامه نماز او کامل نیست و گرنه از کارهای زشت بازمی‌داشت وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (۴۰) نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند بازمی‌دارد امیر المؤمنین علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: رُبَّ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالْعَطَشُ (۴۱) چه بسیار روزه‌دارانی که فقط گرسنگی و تشنگی می‌کشند.

بنابراین انسان باید با اختیار خودش از ظرفیت تقوا سازی که خدا در روزه قرار داده است استفاده کند. نکته مهم‌تر این است که این تصور که گمان می‌کنیم بیشتر روزه‌داران با روزه به هیچ تقوایی نمی‌رسند اشتباه است.

تقوا درجات زیادی دارد و هر کس به میزان کیفیت روزه‌اش به این تقوا می‌رسد. همین که به خاطر رضایت خدا از خوردن و آشامیدن خودداری کرده و خود را به سختی انداخته است در روزه‌دار اثر داشته است و البته این حداقل اثر است و هر چه بیشتر آداب روزه را بجا بیاورد، بیشتر از آثار آن بهره‌مند می‌شود.

۱۲. چرا در حال روزه‌داری کار کردن را نگفته‌اند عبادت است بلکه فرموده‌اند خواب عبادت است، آیا این امر نوعی دعوت به تنبلی نیست؟

در پاسخ باید گفت:

۱_ ماه مبارک رمضان ماه خودسازی و بندگی کردن خداوند و توجه ویژه به اعمال و کردار و کسب تقوا و فضائل اخلاقی است در هر زمان و مکانی. برخی اعمال در این ماه برای رسیدن به این مهم سفارش شده است مانند توجه به نماز، توجه به فقرا، ذکر خدا و دعا به درگاه پروردگار و... بدین مفهوم است که این اعمال را با توجه بیشتری انجام شود.

۲_ در روایات مانند خطبه شعبانیه از زبان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در فضائل ماه مبارک رمضان منقول است که این ماه پرفیض پر است از رحمت و برکت و بخشش پروردگار و تا انسان توان دارد به کسب این فضائل تلاش کند

از جمله خواب، نفس کشیدن و... و حتی کار کردن نیز عبادت است انفاکم فیه تسبیح (همه کارهای واجب، مستحب و مباح مانند) نفس کشیدن نیز دارای ثواب بوده و نوعی تسبیح خداوند است

۳_ زندگی انسان دارای ابعاد مختلف است بخشی از آن کار و تلاش بخشی در کنار خانواده، و قسمتی از زندگی نیز به عبادت و راز و نیاز با خدا سپری می شود در غیر این صورت حیات انسان با اختلال مواجه می شود. لذا تأکید روایات و برخی آیات الهی این است که در هر حالتی مانند کار کردن و عرق ریختن برای تأمین معاش خانواده تا استراحت در کنار آنها و... همه عبادت محسوب می شود در صورتی که رعایت تقوای الهی شود و گناهی صورت نپذیرد. پس ارزش در زندگی انسان این است که در تمام ابعاد زندگی مراقب رفتار خود باشد تا نافرمانی الهی نشود.

۴_ اینکه در این خطبه خوابیدن و نفس کشیدن را بیان می کند نشان از اهمیت این ماه است که بر سفره الهی میهمان بوده و خداوند این گونه اراده کرده که به بهترین شکل از میهمانان روزه دار خود تجلیل کند که تمام حرکات و سکنت ایشان دارای ثواب است پس ذکر خواب و یا نفس کشیدن دلیل بر این نمی شود که کار کردن و تلاش صحیح نیست در روایات دیگر بسیار به اشتغال و کار مؤمن تأکید شده و افراد تنبل و بیکار مذمت شده اند. بلکه بیانگر این است که روزه دار آن قدر نزد خداوند محبوب است که حتی نفس کشیدن و خواب او را عبادت حساب می کند.

۱۳. با توجه به اینکه قطب های شمال و جنوب که شش ماه شب و شش ماه روز هستند با معیار نماز و

روزه تناسبی ندارد، آیا احکام اسلام برای مردم جزیره العرب بوده است؟

واضح است که در ابتدای نزول قرآن، کسانی که مسلمان شده و مخاطب اولیه قرآن بوده اند، مردم جزیره العرب بوده اند؛ ولی این مطلب به این معنا نیست که دستورات الهی منحصر و محدود به اعراب آن زمان بوده است. بلکه تمامی دستورات الهی مطلق و برای عامه مردم است پس اگر در موردی امکان تطبیق نباشد، به دلایل دیگر مانند روایات، حکم آن متناسب با آن فرد و یا منطقه بیان می شود. به عنوان مثال حکم تکلیف برای دختران نه سال تمام است حال اگر در این زمان که دختران از نظر جسمی نسبت به گذشته ضعیف تر شده اند یا استفاده از آیه لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۴۲) خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند و سایر منابع اجتهادی حکم آن بیان می شود. برای تفصیل بیشتر مطلب توجه به چند نکته لازم است:

۱- اگر به آیات الهی دقت فرمایید تمام خطاب های خداوند به مردم بطور کلی می باشد مانند یا ایها الناس، یا ایها الذین امنوا، و... و خطاب به گروه خاص و یا منطقه خاص خاصی نمی کند. پس اگر خدا مردم جزیره العرب را می خواست خطاب کند می فرمود یا ایها الاعراب و...

۲- بطور کلی ادیان الهی و بطور خاص دین اسلام، مطابق با فطرتی است که در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده است؛ و همه انسانها از همه دورانها در این فطرت مشترک هستند.

۳- انسان بر اساس نیازهایش قانون جعل می کند. بسیاری از این نیازها در انسانها ثابت و مشترک است، مثل نیاز به آزادی، عدالت، خوراک، مسکن، ازدواج و...؛ لذا گذشت دورانها تاثیری در اصل این نیازها ندارد پس قوانین مربوطه نیز ثابت و مشترک بوده و نیازی به تغییر ندارند. برخی نیازها نیز به حسب شرائط زمانی تغییر پذیرند که در اسلام تعیین قوانین و احکام آنها پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر عهده معصومین علیهم السلام و در دوران غیبت نیز بر عهده حاکم شرع و فقیه جامع الشرائط است.

۴- قوانین و مقررات دین اسلام که برای پاسخ گویی به نیازهای جامعه بشری اند، طبعاً به تبع نیازهای او به دو قسم ثابت و متغیر تقسیم می شوند.

الف - آن بخش از قوانین اسلامی که کلی، دائمی و تغییر ناپذیر است، از نوع قوانین حاکم بر طبیعت جهان آفرینش و برخاسته از عمق نیازهای اولی و واقعی انسان می باشد. عدالت، آزادی، احسان به دیگران، دعوت به فراگیری دانش، پاک نگه داشتن حریم انسان از اخلاق و آداب ناپسند و... همیشه زنده خواهند بود و کلیات مربوط به آن، هیچ ارتباطی به تجدد و توسعه فرهنگی و پیشرفت جامعه انسانی ندارد؛ زیرا مقررات دین برای حقیقت انسان وضع شده اند و آن، همیشه ثابت و نیازمند به چنین مقرراتی می باشد.

ب - اما قوانین و احکامی که جنبه موقتی یا محلی دارند، همگام با تحولات اجتماعی و تغییر زمان، مکان و شرایط، و به حسب مصالح مختلف زمانها و مکانها اختلاف پیدا می کنند که به عنوان آثار "ولایت عامه" مطرح است و به نظر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، و در زمان غیبت به علمای دین و مجتهدین جامع الشرائط وابسته است.

۵- کمال یک دین، به تناسب حوزه مأموریت نبی و رسول آن مورد توجه و مطالعه قرار می گیرد. حوزه مأموریت (مخاطبین) همه انبیای قبل محدود به مکان و زمان خاص بوده است، چنان چه می فرماید حضرات موسی و عیسی علیه السلام را برای قوم بنی اسرائیل فرستادم و زمان هر کدام نیز تا نبی بعدی محدود بود. لذا بی تردید این ادیان برای جهانی شدن (مکانی) و همگانی شدن (مخاطبین) و همیشگی شدن (زمانی)، کامل نبودند، نه این که برای امت های آن نبی و رسول نیز کامل نبودند. اما دینی که آخرین ادیان است و پس از آن

باب نبوت بسته می‌شود و نبی‌اش به عنوان رحمة للعالمین معرفی می‌شود و حوزه مأموریت وی همه انسان‌ها تا آخرالزمان است، باید جهان شمول بوده و تمامیت داشته باشد.

پس بنابراین تمامی دستورات و تعالیم اسلام برای همه زمان‌ها و مکان‌ها بوده و مختص به یک مقطع زمانی و مکانی نمی‌باشد

۶- بعنوان مثال حکم وجوب روزه و نماز برای تمامی مردم در اقصی نقاط جهان می‌باشد که بطور کلی بیان شده و بطور حتم همه مردم در یک شرائط یکسان از لحاظ جغرافیایی و اقلیمی نمی‌باشند ولی مورد خطاب دستور خدا قرار می‌گیرند لذا برای بیان حکم واقعی متناسب با آنها باید رجوع به معصوم و یا در زمان غیبت به مراجع تقلید نمود. زیرا در هیچ حالتی حکم خداوند از انسان ساقط نمی‌شود. در مثالی که زده شد بطور کلی این اتفاق نظر وجود دارد که تکلیف باید انجام شود ولی در تعیین محدوده زمان در قطب، برخی قائل به افق مکه و مدینه، برخی دیگر همان افق محل سکونت خود را ملاک قرار داده و برخی دیگر سرزمین‌های متعارف (روی همان خط نصف‌النهار) را ملاک قرار می‌دهند که برای توضیح بیشتر باید به مرجع تقلید خود مراجعه نمود.

۱۴. روزه گرفتن در ایام بسیار گرم و طولانی برای بدن به‌ویژه کلیه‌ها ضرر دارد. چرا باید در چنین ایامی روزه گرفت؟

همچنان که می‌دانید احکام الهی به صورت تعبد و تبعیت محض از دستورات الهی است و اگر انسان به حکیم بودن خدا یقین داشته باشد می‌تواند درک کند به‌طور حتم فوایدی برای انسان دارد که خدای حکیم آن را واجب نموده است و به آن عمل می‌نماید در عین حال این دستورات برای اجرا باید با شرائطی همراه باشد که شامل تکلیف عقل و قدرت است. یعنی بر فردی واجب است که واجبات را انجام دهد که به سن تکلیف رسیده باشد پس افراد نابالغ خارج می‌شوند، دارای عقل باشند که افراد مجنون مکلف نیستند؛ همچنین قدرت بر انجام واجبات را داشته باشند، به‌عنوان مثال افراد مریض که آسیب به بدنشان وارد می‌شود، تکلیف از آن‌ها برداشته می‌شود؛ زیرا قدرت انجام تکلیف را ندارند پس افرادی که سلامت جسم و توان انجام آن را داشته باشند باید عمل به واجب نمایند و کسانی که قدرت انجام تکلیف ندارند واجب از آن‌ها سلب شده و می‌توانند در ایام دیگر سال انجام دهند قرآن کریم می‌فرماید: لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۴۳) خداوند هیچ‌کس را جز به‌قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. پس نتیجه می‌گیریم که همه احکام الهی بر اساس قواعد خاصی است که با عقل نیز سازگاری دارد. البته قابل ذکر است که اگر روزه داری در ایام بسیار گرم موجب خوف ضرر جسمی هم شود، واجب نیست. در این موارد، به نظر مشهور مراجع، روزه را باید بگیرد و هر گاه خوف ضرر جسمی ایجاد شد به اندازه ضرورت آب و غذا بخورد و تا شب امساک نماید (از خوردن و آشامیدن پرهیز کند).

۱۵. از علت‌های وجوب روزه درک احوال فقرا و گرسنگان است، لکن روزه‌داران هیچ‌گاه حال گرسنگان را درک نخواهند کرد، زیرا به افطار اطمینان دارند! و برای آن لحظه‌شماری می‌کنند.

البته شاید این شبهه مطرح باشد که وقتی به افطار امیدواریم نمی‌توانیم حال گرسنگان را درک کنیم در این مورد باید گفته شود که درک گرسنگان صرفاً به لحاظ درد گرسنگی و تشنگی نیست بلکه اجازه نداشتن برای خوردن و آشامیدن خود حالتی است که ما را به یاد فقرا می‌اندازد؛ به طوری که در ایام روزه‌داری شما امکانات و غذاهای فراوانی در خانه و یخچال خود دارید اما خداوند تا لحظه افطار اجازه‌ی خوردن آن‌ها را به شما نداده است؛ در واقع شما خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را در اطراف خود می‌بینید اما اجازه خوردن آن را ندارید. فقیر نیز در طول سال در اطراف خود خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها زیادی را می‌بیند که مالک آن‌ها نیست و اجازه‌ی خوردنشان را ندارد هرچند که گرسنه است؛ مثلاً در مغازه غذاها و خوردنی‌های مختلف می‌بیند اما چون پول ندارد اجازه خوردن به او را نمی‌دهند. همین اجازه نداشتن برای خوردن و آشامیدن در ماه مبارک رمضان موجب می‌شود حال و روز فقرا را درک کنیم.

۱۶. چرا روزه‌داری در روز عید فطر حرام است؟

در این زمینه دلیل خاص روایی که علت اصلی حرمت روزه در برخی روزها را بیان کرده باشد وجود ندارد ولی چند نکته و دلیل که به ذهن انسان متبادر می‌شود عبارتست از:

۱- دستور خداوند: اعمال عبادی حالت تعبدی داشته و از طرف خداوند دستور داده شده که این چنین عمل شود و ما به عنوان مکلف باید آن را اجرا کنیم. در حقیقت تقویت روحیه تعبد و پیروی از دستورات الهی می‌باشد.

۲- حفظ اعتدال در جامعه اسلامی: خصوصیات برخی انسان‌ها همواره با افراط و تفریط در عبادات همراه است لذا اسلام برای اینکه تعادل در این مسئله ایجاد نماید که برخی فکر نکنند همیشه باید روزه باشند و یا اینکه چرا اینقدر باید روزه گرفت دستور به ایجاد وقفه در این روز نموده است و همچنین حالت سابقه در اعیاد فطر و قربان، عبادت است؛

آن هم عبادت همراه با زهد و گریز از دنیا. در ماه رمضان یک ماه تمرین زهد و دنیاگریزی انجام می‌شود و در ایام حج نیز این زهد در قالب مناسک خاص عبادی انجام می‌گیرد؛ بنابراین مناسب است که جهت رعایت اعتدال، یک روز هم زهد کنار گذاشته شود.

۳- ایجاد وحدت بین جامعه اسلامی: عید فطر و عید قربان دو عید بزرگ تمام مسلمین در سرتاسر جهان است؛ و باعث ایجاد وحدت کلمه مسلمانان جهان، تجدید حیات امت اسلامی، اعلان عمومی دین و تعظیم شعائر دین می‌باشد. عظمت و بزرگی این دو عید به اندازه‌ای است که عید بودن آنها نباید تحت الشعاع هیچ مسأله‌ای قرار گیرد. روزه گرفتن در این دو روز بدون شک این دو عید بزرگ را کم‌رنگ می‌سازد؛ چون اگر روز عید فطر

هم روزه گرفته می شد فرقی با سی روز قبل نداشت و اهمیت آن چندان روشن نمی شد؛ خداوند چون به این کم رنگ شدن راضی نیست دستور به حرمت روزه در این دو عید بزرگ داده است.

۴- ایجاد زمینه مسرت و شادی در بین مسلمین: در این که هر سال چند روز عید همه مسلمین باشد منافع بسیاری وجود دارد؛ از جمله مسرت و شادی قلوب مردم، که این غالباً با صلّه ارحام و ضیافت آنان و اطعام مستمندان و... همراه است، و این امور با روزه بودن کمتر سازگار است.

۵- روز دادن پاداش و هدیه به روزه داران: در روایت آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روز عید فطر را «یوم الجوائز» یعنی روز جوایز نامیده است. (۴۴) در بعضی تعابیر آمده است که این دو روز و نیز ایام دیگری که روزه در آنها حرام است، مانند ایام تشریق و نیز در نفی روزه در سفر، هدیه ها و یا صدقات خداوند است بر بندگانش، و سزاوار نیست که صدقه و هدیه را ردّ نماییم رد احسان شخص کریم خلاف ادب و ناپسند شمرده می شود.

۱۷. اینکه به غسل در هر شب از دهه آخر ماه مبارک رمضان سفارش شده است آیا این موضوع اسراف نیست؟

در برخی کتب روایی اشاره به این مسئله دارد که این عمل در دهه آخر ماه مبارک رمضان عمل مستحبی است امام صادق (علیه السلام) فرمود: ان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) یغتسل فی شهر رمضان فی العشر الأواخر فی کلّ لیلۃ (۴۵) رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در دهه ی آخر ماه مبارک رمضان در هر شب غسل می نمود. همچنان که می دانید غسل از اعمال عبادی بوده و دستور الهی است زمانی مفهوم اسراف اطلاق می شود که برخلاف فرامین الهی باشد مانند زیاد خوردن. در عین حال غسل به معنی شستن نیست که بخواهیم زیر دوش آب به شست و شو بپردازیم بلکه به اعمال مخصوص گفته می شود که شامل خیس شدن سر و دو طرف بدن است که با داشتن یک کاسه آب نیز کفایت می نماید و در صورتی که بیش از حد متعادل آب بریزند اسراف حساب می شود.

۱۸. در مواقعی که نسبت به ضرر روزه داری تردید داریم، تکلیف شرعی چیست؟ آیا نظر پزشک ملاک است؟

کسی که می داند روزه برای او ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد باید روزه را ترک کند و اگر روزه بگیرد صحیح نیست بلکه حرام است، خواه این یقین و خوف از تجربه ی شخصی حاصل شده باشد یا از گفته ی پزشک امین یا از منشأ عقلایی دیگر.

ملاک تأثیر روزه در ایجاد بیماری یا تشدید آن و عدم قدرت بر روزه گرفتن، تشخیص خود روزه دار نسبت به خودش است، بنابراین اگر پزشک بگوید روزه ضرر دارد، اما او با تجربه دریافته است که ضرر ندارد باید روزه

بگیرد، همچنین اگر پزشک بگوید روزه ضرر ندارد ولی او بداند روزه برایش ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد نباید روزه بگیرد.

هرگاه عقیده‌اش این بود که روزه برای او ضرر ندارد و روزه گرفت و بعد فهمید روزه برای او ضرر داشته باید قضای آن را به‌جا آورد.

پزشکانی که بیماران را از روزه گرفتن به دلیل ضرر داشتن منع می‌کنند گفته‌ی ایشان در صورتی معتبر است که اطمینان آور باشد یا باعث خوف ضرر شود و در غیر این صورت اعتباری ندارد. (۴۶)

۱۹. پیرمردی که به علت پیری و مریضی، به سختی و شدت روزه‌داری می‌کند، آیا مرتکب حرام شده است؟

بله روزه گرفتن برای مریض و کسانی که روزه گرفتن بر ایشان ضرر دارد حرام است و نباید روزه بگیرند. (۴۷)

۲۰. زن حامله‌ای که نمی‌داند روزه برای فرزندش ضرر دارد یا نه تکلیف اش چیست؟

اگر روزه برای خودش یا جنینش ضرر نداشته باشد واجب است؛ اما اگر برای خودش یا جنینش ضرر دارد روزه واجب نیست. ضرر را هم یا خودش تشخیص می‌دهد یا به پزشک متخصص مورد اطمینان مراجعه می‌کند. ولی اگر بتواند به‌طور متناوب یک روز در میان یا دو روز در میان روزه بگیرد باید این‌گونه عمل کند. البته باید در نظر داشت که روزه یک فریضه و واجب الهی است و به‌طور طبیعی سختی دارد. معمولاً کسی که روزه می‌گیرد تشنه و گرسنه می‌شود و مثل روزهای دیگر نیست؛ بنابراین به بهانه‌ی گرسنگی، تشنگی و ضعف در این حد کسی نمی‌تواند روزه‌خواری کند؛ اما اگر ضعف شدید باشد به حدی که غیرقابل تحمل است یا مشقت دارد یا اصلاً روزه برایش ضرر دارد، حالا یا بیماری دارد که اگر روزه بگیرد، این بیماری شدت می‌گیرد یا دردش شدیدتر می‌شود یا بیماری طول می‌کشد و دیر خوب می‌شود یا اینکه بیماری رو به بهبودی است و عود می‌کند، در این فرض‌ها روزه واجب نیست و بعداً که خوب شد باید قضای روزه‌ها را به‌جا بیاورد. (۴۸)

۲۱. مسافرت ساختگی در ماه مبارک رمضان برای فرار از روزه از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

مسافرت ساختگی در ماه مبارک رمضان برای فرار از روزه کراهت دارد. (۴۹)

۲۲. آیا امر به معروف و نهی از منکر کسی که در ماه مبارک رمضان علناً مفطرات روزه را مرتکب می‌شود در نظام اسلامی بر عهده حکومت و نهاد امر به معروف و نهی از منکر است یا حکمی عمومی است؟

امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط آن یک تکلیف شرعی عمومی برای حفظ احکام اسلام و سلامت جامعه است، به طور کلی مراتب امر به معروف و نهی از منکر، اگر متوقف بر تصرف در نفس یا مال کسی که فعل حرام را بجا آورده نباشد، احتیاج به کسب اجازه از کسی ندارد، بلکه این مقدار بر همه مکلفین واجب است. ولی مواردی که امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر چیزی بیشتر از امر و نهی زبانی باشد، اگر در سرزمینی باشد که دارای نظام و حکومت اسلامی است و به این فریضه اسلامی اهمیت داده می‌شود، احتیاج به اذن حاکم و مسئولین ذی‌ربط و پلیس محلی و دادگاه‌های صالح دارد. (۵۰)

۲۳. روزه زن مستحاضه با چه شرایطی صحیح است و در صورت عدم اطلاع یا عدم انجام وظیفه چه حکمی دارد؟

طبق فتوای امام مساله ۴۱۸: روزه زن مستحاضه ای که غسل بر او واجب است در صورتی صحیح است که در روز غسل‌هایی را که برای نمازهای روزش واجب است، انجام دهد، و نیز بنا بر احتیاط واجب، باید غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می‌خواهد فردای آن را روزه بگیرد به‌جا آورد ولی اگر برای نماز مغرب و عشاء غسل نکند و برای خواندن نماز شب پیش از اذان صبح غسل نماید و در روز هم غسل‌هایی را که برای نمازهای روزش واجب است بجا آورد، روزه او صحیح است. (۵۱)

۲۴. اگر در ماه مبارک رمضان خانمی که استحاضه‌اش متوسطه است، غسل را به‌جا نیاورد، حکم روزه‌اش چیست؟

آیات عظام امام، خامنه‌ای، فاضل، نوری و وحید: روزه‌اش باطل است و باید بعد از ماه مبارک رمضان قضا کند. (۵۲)

آیات عظام بهجت و صافی: بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل است و باید بعد از ماه مبارک رمضان قضا کند. (۵۳)

آیات عظام تبریزی و سیستانی: روزه‌اش صحیح است. (۵۴)

آیت الله مکارم: استحاضه متوسطه حکم استحاضه قلیله را دارد و استحاضه قلیله غسل ندارد. بنابراین روزه‌اش صحیح است.

۲۵. آیا گرفتن قضای روزه واجب فوری است؟

تأخیر قضای روزه ماه مبارک رمضان تا ماه مبارک رمضان بعد به احتیاط واجب جایز نیست؛ و اگر تأخیر افتاد، بعد از آن واجب موسّع است. (۵۵)

۲۶. برخی افراد روزه می گیرند ولی نماز نمی خوانند، آیا روزه این افراد صحیح است؟

بله روزه صحیح است، ولی نسبت به ترک نماز معصیت نموده است.

۲۷. بنده در ذوب آهن کار می کنم، حرارت بسیار زیاد است، با این حال آیا روزه بر من واجب است؟ شنیده ام برخی از مراجع شریعی را برای امثال این شغل تجویز کرده اند، آیا به همین دلیل سهولت می توان مرجع تقلید را تغییر داد؟

هر روز صبح به قدر مسافت شرعی مسافرت کنند و روزه خود را در آنجا افطار نمایند که فقط قضای آن روزها به عهده شخص می آید و کفاره ندارد یا اگر می توانند کار را ترک کنند یا از ساعات کار کم کنند و روزه ها را بگیرند و از برکات آن محروم نشوند؛ و اگر این کار میسر نیست روزه را شروع کرده و هر وقت دچار سختی و حرج شد فقط به اندازه ضرورت می تواند آب و غذا بخورد و تا شب باید امساک کند. و بعد از قضای روزه را بگیرد. (۵۶)

۲۸. اگر روزه بگیرم مطمئن نمی توانم خوب درس بخوانم و نمراتم کم می شود، در این صورت پدر و مادرم ناراحت می شوند، وظیفه من چیست؟

امتحان و درس و بحث مجوز روزه خواری نیست ولی دو کار می توانید انجام دهید: یکی اینکه قبل از ظهر به مسافرت بروید، یعنی حداقل ۲۵ کیلومتر مسافت را از شهر خود به قصد یک سفر شخصی دور شوید و طی کنید، آنجا افطار کنید و برگردید. راه دیگر اینکه نیت روزه کنید و به درس و مطالعه پردازید، اگر واقعاً در بین روز ضعف بر شما غالب شد که دیگر واقعاً قابل تحمل نبود یا سخت بود و مشقت داشت، افطار کنید و بعداً قضایش را به جا آورید؛ اما به صرف اینکه کسی درس دارد یا آزمون دارد، بخواد روزه اش را نگیرید، این کار گناه است و روزه ها هم قضا دارد و هم کفاره (۵۷)

۲۹. طریقه غسل واجب بر فرد در سحرگاه ماه مبارک رمضان با تنگ بودن وقت چگونه است؟

اگر برای غسل وقت دارد، باید غسل کند و اگر وقت تنگ است، باید تیمم کند و روزه اش صحیح است. اگر از روی عمد، غسل یا تیمم نکند، روزه اش باطل است و باید کفاره بدهد. البته همان روز هم باید امساک داشته باشد. (۵۸)

پی‌نوشت‌ها:

۱. احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، بيروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۷۱.
۲. شذرات الذهب ج ۱ ص ۱۴ و اقتصر علیه فی بهجة المحافل ج ۱ ص ۴۸ و رواه عن ابن عباس کل من: أنساب الأشراف (قسم حياة النبي (ص)) ص ۹۸ و تهذيب تاريخ دمشق ج ۱ ص ۳۰۳ و سير أعلام النبلاء ج ۲ ص ۱۱۱ و مختصر تاريخ دمشق ج ۲ ص ۲۷۵. والبحار ج ۱۶ ص ۱۲ عن الجنابذی. کلهم عن ابن عباس. و رواه فی مستدرک الحاكم ج ۳ ص ۱۸۲ عن ابن إسحاق، دون أن يذكر له قولاً آخر. و راجع سيرة مغلطای ص ۱۲ و المحبر ص ۷۹ و تهذيب الأسماء ج ۲ ص ۳۴۲ و تاريخ الخميس ج ۱ ص ۲۶۴ و السيرة الحلیية ج ۱ ص ۱۴۰.
۳. أنساب الأشراف (قسم حياة النبي (ص)) ص ۹۸ و سيرة مغلطای ص ۱۲ و المحبر ص ۴۹ و المواهب اللدنیة ج ۱ ص ۳۸ و ۲۰۲ و شذرات الذهب ج ۱ ص ۱۴ و تاريخ الخميس ج ۱ ص ۲۶۴ و أسد الغابة (دار الشعب) ج ۷ ص ۸۰ و السيرة الحلیية ج ۱ ص ۱۴۰ و السيرة النبویة لدحلان ج ۱ ص ۵۵ ط دار المعرفة و راجع: تاريخ الإسلام للذهبي ج ۲ ص ۱۵۲ و مختصر تاريخ دمشق ج ۲ ص ۲۷۵ و تهذيب الأسماء ج ۲ ص ۳۴۲ و الطبقات الكبرى لابن سعد ط صادر - ج ۱ ص ۱۳۲، والبحار ج ۱۶ ص ۱۹ و ۱۲ و تهذيب تاريخ دمشق ج ۱ ص ۳۰۳، عن حکيم بن حزام.
۴. الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۱، ص ۱۲۱، ۱۲۶، با دخل و تصرف.
۵. بزرك زنان صدر اسلام، ص: ۳۸ و ۳۹.
۶. فَاخْتَارَ مِنْهُمْ مِائَةً ثُمَّ مِنَ الْمِائَةِ سَبْعِينَ ثُمَّ مِنَ السَّبْعِينَ ثَلَاثِينَ ثُمَّ مِنَ الثَّلَاثِينَ عَشْرَةً فِيهِمْ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُلْجَمِ الْمُرَادِي. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۶۰.
۷. همان، ص ۲۵۹.
۸. ابن سعد، طبقات كبرى، ج ۳، ص ۳۵ و ۳۶.
۹. ابن اعثم، كتاب الفتوح، ۱۴۱ ق، ج ۴، ص ۲۷۶ - ۲۷۸.
۱۰. راوندى، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۸۲.
۱۱. همان، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۶۲.
۱۲. همان، الخرائج، ج ۱، ص ۱۸۲.
۱۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۰۹.
۱۴. سيد جواد حسینی، ابن ملجم، از مهر امام تا عشق قطام، ماهنامه مبلغان، ش ۱۵۵، رمضان ۱۴۳۳ ق، ص ۹۵-۱۰۳.
۱۵. «اعتكافُ عشرٍ فی شهرِ رمضانَ یَعْدُلُ حَجَّتَیْنِ وَ عُمْرَتَیْنِ»، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الاعتكاف؛ اللمة الدمشقیه، كتاب الاعتكاف... روایات اعتكاف پیامبر در دهه آخر ماه رمضان مشترك بين شیعه و سنی است و فرقی در منابع حدیثی خود این روایات را ذکر کرده اند.
۱۶. بقره (۲)، آیه ۱۲۵.
۱۷. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۲۹.
۱۸. همان، ج ۴۷، ص ۵۳.
۱۹. اعتكاف سلوك منتظران، زیر نظر حضرت آیه الله مظاهری، ص ۱۹.
۲۰. آیت الله لطف الله صافی، معارف دین، نشر آستان مقدسه معصومه قم ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۱۲۱.
۲۱. وسائل الشیعه، جلد ۱۰، صفحه ۱۷۵، حدیث ۱۳۱۴۵.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۴، ص ۷۸.

۲۳. شیخ طوسی، تهذیب الأحكام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۱۵۹.
۲۴. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۲۹۴.
۲۵. مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۳، ص ۵۰۱.
۲۶. روضاتی، میر سید احمد، فلسفه روزه، قم، انتشارات طباطبائی، ۱۳۸۵ ق، ص ۹۰ - ۹۲.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، ج ۹۳، ص ۲۸۵.
۲۸. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، انتشارات کتابخانه سنائی، ج ۱، ص ۱۹۳.
۲۹. شمس الدین، سید مهدی، آداب روزه داری، قم، انتشارات قدس، چاپ اول، ۱۳۷۴، صص ۱۰ و ۲۳ - ۲۴.
۳۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، ج ۷، ص ۷.
۳۱. همان، ص ۲۲۳.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، احیاء التراث الاسلامی، ج ۹۶، ص ۲۵۵.
۳۳. آداب روزه داری، ص ۲۰.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۳۲ - ۶۳۳.
۳۵. همان.
۳۶. آیه الله مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۰۶.
۳۷. بقره (۲) آیه ۲۸۶
۳۸. بقره (۲) آیه ۱۸۳
۳۹. محسن قرائتی، پرسشهای مهم پاسخهای کوتاه، ص ۳۳.
۴۰. عنکبوت (۲۹) آیه ۴۵
۴۱. شمس الدین، سید مهدی، آداب روزه داری، قم، انتشارات قدس، چاپ اول، ۱۳۷۴، صص ۱۰ و ۲۳ - ۲۴.
۴۲. بقره (۲) آیه ۲۸۶.
۴۳. بقره (۲) آیه ۲۸۶.
۴۴. کافی ج ۴ ص ۱۶۸.
۴۵. ابن طاووس، اقبال الاعمال ج ۱ ص ۱۹۵، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۹ ق.
۴۶. توضیح المسائل مراجع مسأله ۱۷۴۳ و ۱۷۴۴
۴۷. توضیح المسائل مراجع مسأله ۱۷۴۳ و ۱۷۴۴
۴۸. استفتائات مقام معظم رهبری <http://farsi.khamenei.ir>
۴۹. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۱۵ و ۱۷۰۳ و العروة الوثقی، فصل ۶ م ۲۵ و فصل ۱۰، م ۵؛ رساله دانشجویی، سید مجتبی حسینی، کد: ۵۰۰۱۶/۱۹۰.
۵۰. اجوبه الاستفتائات سوال ۱۰۵۳ به بعد
۵۱. رساله توضیح المسائل مرحوم امام خمینی ره مسأله ۴۱۸
۵۲. توضیح المسائل مراجع، م ۴۱۸ و وحید، توضیح المسائل، م ۴۲۴ و دفتر: خامنه‌ای.
۵۳. توضیح المسائل مراجع، م ۴۱۸ و آیت الله بهجت، وسیله النجاة، ج ۱، م ۳۰۰.
۵۴. توضیح المسائل مراجع، م ۴۱۸.

۵۵. مراجعه شود به تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۲۰۵، کتاب الصلاة، القول فی صلاة القضاء، مسألة ۱۱؛ و ص ۲۷۲، کتاب الصوم، القول فی قضاء صوم شهر رمضان، مسألة ۴.

۵۶. کتاب استفتاءات (مرحوم امام خمینی ره)؛ ج ۱، ص: ۳۱۹

۵۷. استفتائات آیت الله خامنه‌ای <http://farsi.khamenei.ir>

۵۸. استفتائات جدید رهبری